



## Investigating the Statistical Transformation of Domestic and International Disputes Using Uppsala and Heidelberg Peace Studies

Mehrdad Ganjali Darani<sup>1</sup>, Sattar Azizi<sup>2\*</sup>

Received:2023/10/15  
Accepted:2024/02/26

Research Article

### Abstract

This article is dedicated to analyzing the types, amount, and intensity of domestic and international crises and conflicts in the last five decades. The research process is started by defining the types of disputes, crises and conflicts and ends by presenting an analysis about why the number of internal conflicts is increasing over international. The main question of the research is to provide a complete and statistics-based picture of the amount of internal and international disputes and conflicts. The main research question is why the number of internal conflicts and disputes has increased since World War II. The hypothesis of the research is that the institutionalized efforts of the United Nations to prevent another civil war after the Second World War and the imposition of rules prohibiting the use of force in international relations have led to a decrease in conflicts at the international level and an increase in internal conflicts. The research method is analytical-descriptive, and the researcher collected information by exploratory study and using documents and articles, especially the reports of the "Uppsala Information and Statistics Center on Peace and War Studies" and the "Heidelberg University Research Institute on International Conflicts" in recent years. An important innovation of research is the analysis of disputes and international crises by relying on objective statistics and avoiding relying on purely theoretical studies regarding the causes and contexts of disputes and conflicts. These findings, which shed new light on the dynamics of conflicts, are sure to pique your interest.

**Keywords:** Internal conflicts; Heidelberg; Peace Studies; War; Uppsala.

Ganjali Darani, M., & Azizi, S. (2023). Investigating the Statistical Transformation of Domestic and International Disputes Using Uppsala and Heidelberg Peace Studies. *Journal of Political and International Research*, 15(56), pp. 73-90.

<sup>1</sup> Instructor., Department of Law, Faculty of Humanities, Azad University of Hamedan, Hamedan, Iran. [mgdarani@gmail.com](mailto:mgdarani@gmail.com)

<sup>2</sup> Professor., Department of Law, Faculty of Humanities, Bu'Ali sina University of Hamedan, Hamedan, Iran, (Corresponding Author). [satarazizi@ymail.com](mailto:satarazizi@ymail.com)



## بررسی دگرگونی آماری اختلافات داخلی و بین‌المللی با بهره‌گیری از مطالعات صلح اِپسالا و

هایدلبرگ

مهرداد گنجعلی دارانی<sup>۱</sup>، ستار عزیزی<sup>۲\*</sup>

### مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۰۷

### چکیده

این مقاله به تحلیل انواع، میزان و شدت بحرانها و مخاصمات داخلی و بین‌المللی و پنج دهه اخیر اختصاص دارد. فرایند تحقیق با تعریف انواع اختلافات، بحرانها و مخاصمات آغاز شده و با ارائه تحلیلی در خصوص چرایی فزونی تعداد مخاصمات داخلی بر بین‌المللی خاتمه می‌یابد. مساله اصلی پژوهش، ارائه تصویری کامل و مبتنی بر آمار از میزان اختلافات و مخاصمات داخلی و بین‌المللی است. سوال اصلی پژوهش آن است که چرا تعداد مخاصمات و اختلافات داخلی از زمان جنگ دوم جهانی به این سو، فزونی گرفته است؟ فرضیه پژوهش آن است که تلاشهای نهادینه شده سازمان ملل متحد جهت جلوگیری از وقوع جنگ خانمان سوز دیگر پس از جنگ دوم جهانی و امره شدن قواعد منع توسل به زور در روابط بین‌المللی، منتهی به کاهش مخاصمات در سطح بین‌المللی و افزایش مخاصمات داخلی گردیده است. روش تحقیق، تحلیلی-توصیفی است و محققان با مطالعه اکتشافی و بهره‌گیری از اسناد و مقالات بویژه گزارشهای چندسال اخیر «مرکز اطلاعات و آمار اِپسالا در خصوص مطالعات صلح و جنگ» و «انستیتو تحقیقات دانشگاه هایدلبرگ در خصوص مخاصمات بین‌المللی» به جمع‌آوری اطلاعات پرداخته‌اند. نوآوری مهم تحقیق، تحلیل اختلافات و بحرانهای بین‌المللی با تکیه بر آمار عینی و پرهیز از تکیه بر مطالعات صرفاً تئوریک در خصوص علل و زمینه‌های بروز اختلافات و مخاصمات می‌باشد.

**واژگان کلیدی:** جنگ، اختلافات داخلی، هایدلبرگ، اِپسالا، مطالعات صلح.

گنجعلی دارانی؛ مهرداد، عزیزی؛ ستار (۱۴۰۲). بررسی دگرگونی آماری اختلافات داخلی و بین‌المللی با بهره‌گیری از مطالعات صلح اِپسالا و هایدلبرگ... فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۵۶، صفحات ۹۰-۷۳.

<sup>۱</sup> دانشجوی دوره دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، مربی، گروه حقوق، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان، همدان، ایران. [mgdarani@gmail.com](mailto:mgdarani@gmail.com)  
<sup>۲</sup> استاد، گروه حقوق، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران (نویسنده مسئول). [satarazizi@ymail.com](mailto:satarazizi@ymail.com)

**مقدمه**

از زمانی که جنگ تبدیل به یک نهاد اجتماعی سازمان یافته گردید، تلاش برای نظام‌مند کردن آن صورت پذیرفت. علی‌رغم کورسوی امید جامعه بین‌المللی مبنی بر از بین رفتن جنگ، هنوز جنگ به عنوان ابزاری برای حفاظت از منافع حیاتی استراتژیک یا مقابله با اقدام نظامی در مقام دفاع از منافع خویش و یا منافع گروهی از اشخاص یا شهروندان در برابر گروه‌های مسلح غیردولتی سازمان یافته کاربرد فراوان دارد.

مفاهیم جنگ و توسل به زور همچون سایر مفاهیم بشری در طول زمان دستخوش تغییرات بسیاری گردیده‌اند. آنچه در گذشته (از زمان آغاز مفهوم نوین دولت-ملت تا جنگ‌های جهانی اول و دوم) در خصوص مفهوم جنگ به ذهن متبادر می‌گردید شامل تنازع میان دو یا چندین دولت در جهت نیل به منافع خاص یا دفاع از تمامیت ارضی و یا منافع حیاتی خویش بوده است. پس از وقوع جنگ‌های جهانی رشد تمایلات جدایی طلبانه، گسترش مشروع مبارزات در جهت نفی استعمار و ارتقاء مفاهیم حقوق بشر، برخی از دولت‌هایی که به جهات مذکور توانایی حل مسائل و معضلات داخلی خویش را نداشتند و یا حاضر به سپردن قدرت به صاحبان اصلی آن نداشتند به استفاده از زور در چارچوب مرزهای داخلی خود سوق داد. در برخی موارد نیز شاهد آن هستیم که ضعف دولت مرکزی در مدیریت امور داخلی و اعمال مشروع قدرت، منتهی به توسل به زور توسط یک یا چند گروه و یا اقلیت علیه یکدیگر گردید که نتیجه‌ای جز آوارگی، قتل و غارت و سیاه‌بختی مردم بسیاری از کشورها را در بر نداشت.

شناخت و درک مسائل روز بین‌المللی پله‌آغازین در جهت پایه‌ریزی قواعد صحیح و پاسخگو به منظور رسیدن به مهمترین اهداف حقوق بین‌الملل یعنی حفظ و ارتقاء حقوق بشر از یک سو و حفظ صلح در جهت نیل جامعه بین‌المللی به سایر اهداف والای خود می‌باشد. در این مقاله تلاش بر آن داریم تا ضمن بررسی آماری میزان و شدت درگیری‌ها و جنگ‌های داخلی و بین‌المللی، در طول زمان به ترسیم طرحی واقع‌گرایانه از تعداد، میزان و فراگیری جنگ‌های داخلی نسبت به جنگ‌های بین‌المللی، نائل شویم.

با توجه به مطالعات بسیار در زمینه صلح و روش‌شناسی‌های صورت گرفته در این خصوص، تحقیقات بسیاری در زمینه آمار جنگ‌های داخلی و بین‌المللی صورت گرفته است که مهمترین آن‌ها روش‌شناسی‌ها و مطالعات صلح از جمله مطالعات صلح افسالا، هایدلبرگ و آثار تحقیقی و تنقیحی اندیشمندان مطالعات صلح می‌باشد. در این میان برخی آثار تحقیقی به بررسی علت‌های فزونی جنگ با رویکرد منطقه‌ای پرداخته‌اند برای نمونه هالوارد بوهاوگ و جان کتیل‌رود در اثر تحقیقی خود با عنوان *عوامل تعیین‌کننده محلی جنگ‌های داخلی آفریقا، از سال ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۱ میلادی* به این موضوع پرداخته‌اند، برخی آثار نیز همچون چه چیزی باعث جنگ‌های داخلی می‌شود؟ *ادغام یافته‌های تحقیقات کمی* به بررسی علل مهم درگیری‌های داخلی پرداخته است. کریستوفر بلاتمن و ادوارد میگل. در اثر مهم خود با عنوان *جنگ داخلی به موشکافی علل وجودی جنگ داخلی و آثار مهم سیاسی و اقتصادی جنگ داخلی پرداخته‌اند*. لیکن خلأ نبود اثر تحقیقی که با بررسی چند روش‌شناسی به تحلیل دقیق آمار مخاصمات داخلی و بین‌المللی در جهت کشف علت چرایی ازدیاد جنگ‌های داخلی در مقابل کاهش میزان جنگ‌های بین‌المللی در طول زمان و به خصوص پس از جنگ جهانی دوم بپردازد، محسوس است.

**۱- بررسی آماری روند مخاصمات و درگیری‌ها در طول زمان**

مهمترین وسیله در جهت شناخت میزان اهمیت و ضرورت توجه به یک و یا چند پدیده اجتماعی، بررسی آماری میزان مواجهه با آن پدیده و یا پدیده‌ها، روند تاریخی و همچنین آثار و عوارض ناشی از آن پدیده و یا پدیده‌ها می‌باشد. اختلاف و یا جنگ (در مفهوم کلی) از آنچه ذکر شد، مستثنی نمی‌باشد. جهت شناخت جنگ و مقابله با آثار آن در سطح بین‌المللی ناچار به بررسی آماری موضوع در جهت اولویت‌سنجی در جهت مقابله و برخورد مناسب حقوقی با مسئله می‌باشد. مطالعات صلح و جنگ حوزه‌ای از علوم اجتماعی است که رفتارهای خشونت‌آمیز و غیر خشونت‌آمیز و همچنین سازوکارهای ساختاری

شرکت کننده در جنگ‌ها (از جمله درگیری های اجتماعی) را، به منظور درک فرآیندهایی که منجر به وضعیت مطلوب انسانی (به خصوص ارتقاء صلح و کاهش خشونت) می‌شود، شناسایی و تحلیل می‌کند. (Dugan, Maire A., 1989:74)

تاریخچه بشریت بیش از روابط دوستانه شاهد جنگ‌هایی است که به بهانه‌های مختلف، با ابعاد گوناگون صورت پذیرفته است و گاه تا میلیون‌ها نفر را به کام مرگ کشیده است. در واقع جنگ در طول تاریخ قاعده حاکم در حل و فصل اختلافات بین‌المللی بوده است و از سوی دولت‌ها به عنوان ابزار مشروع سیاست خارجی مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفته است. (محسن پور، سمیرا و توسلی نائینی، منوچهر، ۱۳۹۳: ۷-۳)

قبل از جنگ‌های جهانی میزان اقتدار دولت‌ها اصولاً از بروز جنگ‌ها و درگیری‌های داخلی تا حدود بسیاری جلوگیری می‌کرد و اقتدار تام دولت‌ها و عدم نظارت بین‌المللی و عدم تبعیت دولت‌ها از اصول حقوق بشر به دولت‌ها اجازه می‌داد که در صورت بروز موارد اختلاف، یا درگیری با اشخاص، گروه و یا اقلیت مخالف به بدترین شیوه ممکن برخورد نمایند و در اکثر موارد مخالفین خود را با مجازات‌های نامشروع دهشتناک و یا قتل‌های قانونی نامشروع و یا قتل‌های غیرقانونی مواجه سازند. این موضوع و نحوه مواجهه فراگیر و سراسری بود و حتی در کشورهایی همچون فرانسه که داعیه دفاع از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی راداشت تا شوروی که داعیه حمایت و برقراری حقوق کارگران را داشت به شدت اجرا می‌شد.

(Antulio J. Echevarria II, Clausewitz and Contemporary, 2013: 61-83)

پس از جنگ جهانی دوم توجه بسیار گسترده به نظام قیمومت در جهت رفع و منع استعمار و گسترش حمایت از حقوق بشر، تشکیل دولت‌های جدید با ویژگی‌های خاص سیاسی، اقتصادی و ژئوپولیتیکی، تشکیل جهان دو قطبی و شروع جنگ سرد، بروز مسائل و بحران‌های اقتصادی و عدم مواجهه صحیح دولت‌ها با چنین بحران‌هایی، عدم رعایت حقوق اقلیت‌ها توسط دولت‌ها و یا وابستگان آنها، بیش از پیش زمینه درگیری میان دولت‌ها با اتباع خویش را در بسیاری از موارد و یا بروز درگیری‌ها و اختلافات داخلی میان بازیگران داخلی در چارچوب مرزهای یک کشور را فراهم ساخت.

جدایی طلبی در نظام‌های غیراستعماری، پس از برچیده شدن بسیاری از نظام‌های استعماری، به لحاظ عدم وجود نظام همگن و یکسان در حقوق بین‌الملل در مواجهه با حق بر جدایی طلبی نیز بیش از پیش بر طبل جنگ و خشونت‌های داخلی دمید. (عزیزی، ستار، ۱۳۸۷: ۳۲-۲۸)

در جدایی طلبی‌ها و یا خودمختاری طلبی‌ها مطالعه موردی ما را به ریشه‌هایی از سوء برنامه‌ریزی یا اقدامات دولت مرکزی رهنمون می‌سازد که حداقل نقش تشدید آنها را داشته است. نقش آفرینی و حضور نخبگان سیاسی اقلیت‌ها، عدم تمرکزگرایی در اعطای امکانات و زیرساخت‌های اقتصادی، احترام به تکثرگرایی و به‌کارگیری روش‌های مناسب حقوقی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نقش بسیار پررنگی در کاهش تنش‌های داخلی و همگرایی ملی ایفاء می‌نماید. (شاکری خوئی و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۰۲-۹۸)

جنگ‌های داخلی در حال حاضر اغلب نتیجه فروپاشی نظم موجود پس از جنگ جهانی دوم، و ایجاد حکومت‌های استبدادی ناشی از این فروپاشی می‌باشند که با عدم توجه به حقوق بنیادین بشری زمینه ایجاد شکاف و بحران در داخل کشورها را فراهم ساخته‌اند. (Kenneth M. Pollack and Barbara F. Walter, 2015:44)

به اذعان فرید زکریا در اثر برجسته ایشان با عنوان جهان پس از آمریکا، ابعاد جنگ میان کشورها نسبت به جنگ‌های داخلی در اولین دهه پس از جنگ سرد تقریباً به نصف کاهش یافته است. از مهم‌ترین علت‌های ناهمخوانی میان واقعیت و درک ما این است که در طی دهه‌های پس از جنگ سرد شاهد پیشرفت شگرف فناوری اطلاعات بوده‌ایم. در حال حاضر هرگونه خبری به صورت آنی در اختیار مردم قرار می‌گیرد. تکرار اخبار و اطلاعات فزاینده در خصوص موضوعات مختلف به خصوص جنگ، موجب آن می‌شود که هر فرد خود را در درون آن جنگ و شرایط درگیری فرض می‌نماید و این موضوع به تقویت این برداشت نادرست که میزان جنگ در دهه‌های اخیر رو به افزایش بوده است دامن می‌زند. در این خصوص برای نمونه می‌توان به جنگ ایران و عراق اشاره نمود که علی‌رغم کشته شدن یک میلیون نفر در جنگ، هر روز خبری از آن منعکس نمی‌گردید و با توجه به گستره رسانه‌های دسته جمعی اخبار محدودی از جنگ مذکور به صورت روزانه در اختیار

مردم دنیا قرار می‌گرفت. در مقابل در زمان نگارش مقاله حاضر با جنگ حماس و اسرائیل و یورش اسرائیل روبرو هستیم که با پوشش رسانه‌ای و خبررسانی آنی و سریع رسانه‌های جمعی در سرتاسر دنیا مواجه شده است و این موضوع به خودی خود موجبات واکنش‌های مردمی در سراسر دنیا به خصوص در مورد جنایات جنگی اسرائیل نسبت به مردم غزه را فراهم نموده است. (زکریا، ۲۰۰۸/۱۴۰۱، ص. ۱۸)

تنوع در زمینه مطالعات صلح، تلاشی بین رشته‌ای است که با هدف پیشگیری، کاهش تنش و حل و فصل درگیری‌ها از راه‌های مسالمت‌آمیز انجام می‌شود و در نتیجه به دنبال راه حل برد-برد برای همه طرف‌های درگیر است. امروزه مطالعات صلح و جنگ در تعداد زیادی از موسسات و دانشگاه‌ها مورد تحقیق و تدریس قرار می‌گیرد. تخمین تعداد دانشگاه‌هایی که دوره‌های مطالعات صلح و جنگ را ارائه می‌دهند، به جهت اینکه که دوره‌ها ممکن است در گروه‌های مختلف تدریس شوند و نام‌های متفاوتی داشته باشند، دشوار است. نمایه اینترنتی انجمن بین‌المللی تحقیقات صلح یکی از معتبرترین فهرست‌های موجود را در این خصوص ارائه می‌نماید. در گزارش سال ۲۰۰۸ مجله نیویورک تایمز تخمین زده شده است که بیش از ۴۰۰ برنامه، مؤسسه، دانشگاه و یا سازمان بین‌المللی در حال تحقیق، تدریس و یا ارائه گزارش هستند. از مهمترین برنامه‌های تحقیقی در خصوص صلح و جنگ می‌توان برنامه‌های دانشگاه‌های اسپانیا، مالمو، دانشگاه بردفورد، دانشگاه هایدلبرگ، دانشگاه صلح سازمان ملل متحد در کاستاریکا (UPEACE)، دانشگاه جورج میسون، لوند، میشیگان، نوتردام، کوئینزلند، ايسالا، مدرسه مطالعات صلح اینسبروک اتریش، ویرجینیا، ویسکانسین، بنیاد روتاری و دانشگاه ملل متحد را نام برد که در این بین مطالعات و روش‌شناسی ارائه شده توسط دانشگاه هایدلبرگ موسوم به HIIK به جهت جامعیت و ارائه آمارهای دقیق و نظم در انتشار اهمیتی دوچندان دارد. در ادامه با بررسی برخی از جامع‌ترین تحقیقات صورت گرفته بالاخص نشریه تحقیقاتی دانشگاه هایدلبرگ تلاش در جهت ارائه دیدگاهی منطبق با واقع از آمار مواجهه جامعه بین‌المللی با سطوح مختلف بحران و جنگ و انواع آن و به خصوص مخاصمات داخلی داریم. لازم به ذکر است که روش‌های دسته‌بندی و تقسیم‌بندی اطلاعات در تمامی مطالعات با یکدیگر متفاوت می‌باشد و ارائه هر یک از مطالعات فوق مؤید روش به کار رفته و دسته‌بندی اطلاعات ارائه شده توسط مطالعه و یا روش‌شناسی مذکور نمی‌باشد و صرفاً واجد ارزش مطالعاتی در راستای نیل به هدف اساسی تحقیق حاضر است.

## ۲- بررسی مخاصمات صورت گرفته بر اساس تحقیقات ايسالا

یکی از جامع‌ترین تحقیقات صورت گرفته در عرصه حقوق بین‌الملل و مخاصمات داخلی و بین‌المللی که بر اساس داده‌های متقن ارائه شده صورت گرفت است، تحقیقات برنامه اطلاعات مناقشات ايسالا<sup>۵</sup> می‌باشد. مخاصمه مسلحانه بر اساس برنامه اطلاعات مناقشات ايسالا به عنوان یک ناسازگاری مناقشه برانگیز تعریف می‌شود که مربوط به دولت یا سرزمینی است که در آن استفاده از نیروی مسلح بین دو طرف (که حداقل یکی از آنها دولت یک کشور است)، منجر به حداقل ۲۵ کشته مرتبط با آن نبرد گردد. بر مبنای این تحقیق، کشور درگیر، کشوری است که دولت آن مدعی اصلی موضوع مخاصمه است. و صرف قرار گرفتن در موقعیت جغرافیایی درگیری، یک دولت را طرف درگیر قرار نمی‌دهد. (ucdp.uu, 2022)

در تقسیم‌بندی معروف، درگیری‌های مسلحانه‌ای که میان طرفین مخاصمه روی می‌دهند به مخاصمه مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی (داخلی) تقسیم می‌شوند و حقوق بین‌الملل بشر دوستانه نیز این دو نوع مخاصمه را تحت پوشش قرار می‌دهد. علاوه بر مخاصمه مسلحانه بین‌المللی و داخلی امروزه با نوع سوم از مخاصمه مسلحانه نیز مواجهه هستیم که در عرصه بین‌المللی از آن به مخاصمه مسلحانه داخلی بین‌المللی شده تعبیر می‌گردد. (ممتاز، جمشید و رنجبران، امیرحسین، ۱۳۸۷: ۲۰-۱۴)



کشتگان مربوط به نبرد به کشتگانی اطلاق می‌گردد که توسط طرفین متخاصم به قتل می‌رسند و می‌توانند مستقیماً به نبرد مرتبط باشند. آمار مربوط به کشتگان دربرگیرنده کشتگان ناشی از نبردهای سنتی در میدان نبرد، فعالیت‌های چریکی و انواع بمباران پایگاه‌های نظامی، شهرها و روستاها می‌گردد. مرگ و میر ناشی از جنگ‌های شهری (بمب، انفجار و ترور) که همچنین شامل کشته شدن غیرنظامیان در تیراندازی، بمب گذاری‌های کور و غیره است، در این آمار می‌گنجد.

بر اساس داده‌های به دست آمده توسط برنامه داده‌های درگیری افسالا از مجموع مخاصمات مسلحانه صورت گرفته مستند از سال ۱۹۸۹ میلادی تا سال ۲۰۲۱ میلادی ۷۴۹۸۵۸ درگیری داخلی، ۳۲۰۴۸۷ درگیری از نوع داخلی همراه با مداخله بین‌المللی و ۱۳۷۱۰ درگیری واجد وصف بین‌المللی بوده اند. این موضوع نشان دهنده این امر است که از مجموع ۱۰۸۴۰۵۵ مخاصمه مستند شده نزدیک به ۹۸ درصد آنها ماهیتاً وصف داخلی داشته اند. اهمیت این موضوع زمانی دوچندان می‌گردد که با این موضوع مواجه می‌گردیم که مستند سازی صورت گرفته، صرفاً بر اساس حداقلی از میزان کشتگان در درگیری توسط طرف مقابل و یا به واسطه عمل طرف مقابل (از جمله بمب گذاری و ترور) انجام شده است. یعنی بسیاری از مخاصمات داخلی که به آستانه کشتار مورد نظر نرسیده‌اند در این دسته بندی جای نگرفته‌اند، حال چنان که در این دسته بندی درگیری‌های خفیف تر نیز محاسبه می‌گردید میزان مخاصمات و درگیری‌های داخلی نسبت به مخاصمات بین‌المللی بسیار بالاتر بود.

### ۳- بررسی مخاصمات صورت گرفته بر اساس روش شناسی هایدلبرگ

گزارشات سالیانه مؤسسه تحقیقات بین‌المللی در زمینه تعارض هایدلبرگ<sup>۶</sup> یکی از مهمترین و به روز ترین دسته بندی‌های آماری در خصوص مخاصمات مسلحانه را ارائه می‌دهد. این سلسله تحقیقات که به صورت سالیانه با همکاری دانشگاه هایدلبرگ و با ارائه نظریات علمی بسیاری از اندیشمندان حقوق و روابط بین‌الملل ارائه می‌گردد، علاوه بر تجزیه و تحلیل کمی مخاصمات به دسته بندی کیفی و بررسی و تحلیل عوامل، شیوه و شدت درگیری‌ها و طرفین درگیر نیز می‌پردازد. استفاده از روش شناسی ارائه شده هایدلبرگ بدین جهت که از معدود مطالعات جامع تحلیلی در خصوص موضوع مخاصمه در سطوح داخلی و بین‌المللی، در مدت زمان محدود و با ارائه گزارشات جامع سالیانه می‌باشد بسیار واجد اهمیت است. در نوشتار حاضر با بررسی این فرآیند برجسته تحقیقی و به صورت خاص بیست و هفتمین، بیست و هشتمین، بیست و نهمین و شماره سی ام از گزارش‌های سالانه آن سعی در تحلیل کمی و کیفی درگیری‌های سیاسی و مخاصمت آمیز در سرتاسر جهان داریم. (Hiik, 2022)

در ادامه به بررسی مفاهیم مفهوم منازعه سیاسی، درگیری سیاسی و اندازه‌گیری بحران‌ها با توجه به رویکرد هایدلبرگ که از مؤلفه‌های اصلی در انجام تحقیقات مذکور می‌باشد، می‌پردازیم. بر اساس رویکرد هایدلبرگ، یک درگیری سیاسی، ناسازگاری ادراکی بین افراد یا گروه‌های اجتماعی است. چنین ناسازگاری از حضور بازیگرانی ناشی می‌شود که با توجه به اهداف خاص ارتباط برقرار نموده و عمل می‌کنند. این افعال و ارتباطات به عنوان اقدامات شناخته می‌شوند، در حالی که اهداف موجبات اختلاف موضع را ایجاد می‌کنند. بازیگران، اقدامات و موضوعات از ویژگی‌های تشکیل دهنده درگیری سیاسی هستند.

بازیگران دخیل در یک بحران یا مخاصمه، افراد یا مجموعه‌هایی هستند که به عنوان عنصر فعال با درگیری مرتبط هستند و در مراحل تصمیم‌گیری توسط دیگر بازیگران درگیری مورد توجه قرار می‌گیرند. بازیگران جمعی شامل دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و بازیگران غیر دولتی می‌شوند.

میزان بحران، اقدامات و درگیری‌هایی است که توسط یک بازیگر درگیری در متن درگیری سیاسی انجام می‌شود. این اقدامات و درگیری‌ها اگر خارج از رویه‌های تعیین شده مقررات مربوط به حل جنگ باشد و - احتمالاً همراه با سایر اقدامات

<sup>6</sup> Heidelberg Institute for International Conflict Research.

- اگر تهدید کننده نظم بین‌المللی یا عملکرد اصلی دولت باشد، به عنوان یک درگیری قابل شناسایی هستند. رویه‌های نظارتی ایجاد شده به عنوان مکانیسم‌های مدیریت جنگ تعریف می‌شوند که توسط بازیگران درگیری پذیرفته می‌شوند. روش‌های تنظیم شده مقررات باید بدون توسل به استفاده یا تهدید به خشونت فیزیکی انجام شود. کارکردهای اصلی دولت شامل تأمین امنیت یک جمعیت، یکپارچگی یک سرزمین و ایجاد یک نظم خاص سیاسی، اقتصادی و یا فرهنگی است.

مسائل جنگ اهداف مادی یا غیرمادی است که توسط بازیگران درگیری از طریق اقدامات جنگ دنبال می‌شود. با توجه به ویژگی اقدامات جنگ، موضوعات درگیری برای کل جامعه - چه برای همزیستی در یک کشور معین و چه بین کشورها - به اهمیت می‌رسند. مسائل مربوط به درگیری بر اساس اهداف مشترک بازیگران درگیری طبقه بندی می‌شوند این اهداف ممکن است واجد جنبه‌های ایدئولوژیک، مذهبی، اقتصادی یا قضایی سیستم سیاسی باشند و یا اهداف بزرگتری همچون استقلال از استعمار، جدایی طلبی و یا تغییر نوع رژیم حاکم را دنبال کنند. (Ibid)

علاوه بر سه عنصر سازنده فوق، شدت درگیری از مجموع اقدامات مربوط به جنگ در یک درگیری سیاسی خاص در یک منطقه جغرافیایی و یک فضای زمانی مشخص است. واحدهای اصلی تجزیه و تحلیل «ماه» بر اساس تقویم و «منطقه» یعنی واحد اداری فرعی سطح اول یک کشور هستند. شدت جنگ برای یک منطقه-ماه تعیین می‌شود. از سال ۲۰۰۳ میلادی، مطالعات هایدلبرگ از یک مدل تدوین شده، دارای پنج سطح از شدت درگیری استفاده می‌کند. بر اساس روش تجدید نظر شده آن، اکنون شدت جنگ با سطوح: «اختلاف»، «بحران غیر خشونت آمیز»، «بحران خشونت‌ناپذیر»، «جنگ محدود» و «جنگ» مورد بررسی قرار می‌گیرد. (Ibid)

سه سطح آخر، برخلاف درگیری‌های غیر خشونت آمیز (اختلاف و بحران غیر خشونت آمیز)، دسته درگیری‌های خشونت آمیز را تشکیل می‌دهند. در حالی که اختلاف، یک منازعه سیاسی است که بدون توسل به خشونت انجام می‌شود، در یک بحران بدون خشونت، یکی از بازیگران تهدید به استفاده از خشونت می‌کند. این تهدید شامل خشونت علیه اشیاء بدون به خطر انداختن صدمه به افراد، خودداری از تحویل تسلیحات، هدف گیری انواع اسلحه به سمت یکدیگر و توسل به انواع مختلف تحریم‌ها می‌گردد. (hiik, 2022: 14-17)

### ۱-۳- ارزیابی میزان درگیری‌های خشونت آمیز

هنگام درجه بندی سه سطح درگیری خشونت آمیز، از پنج مؤلفه استفاده می‌شود که ابزارها و عواقب اقدامات جنگ خشونت آمیز را نشان می‌دهد. بعد ابزار شامل استفاده از سلاح و نیروهای مسلح است و بعد پیامدها در برگیرنده میزان تلفات، حجم تخریب و تعداد پناهندگان یا آوارگان داخلی است. (Ibid: 7-10)

مؤلفه سلاح تبیین کننده آن است که در خشونت صورت گرفته از سلاح‌های سبک یا سنگین استفاده می‌شود (به عنوان مثال اسلحه دستی یا نارنجک دستی در مقابل توپخانه یا بمب‌های سنگین). با توجه به میزان بهره‌گیری از توان جنگی اسلحه‌های سنگین، استفاده محدود و گسترده را از یکدیگر تفکیک می‌کنیم.

شاخص پرسنل بیشترین تعداد شرکت کنندگان را در یک اندازه گیری فردی اندازه گیری می‌کند. این مؤلفه دربرگیرنده تعداد افرادی است که با اقدامات خود، در چارچوب یک اقدام خشونت آمیز، به طور کلی نماینده یک طرف متخاصم هستند. تعداد پرسنل کم، متوسط و زیاد براساس دو آستانه ۵۰ و ۴۰۰ نفر متمایز می‌گردد. (Ibid)

مؤلفه سوم بر اساس تعداد کلی تلفات درگیری در یک منطقه در طول یک ماه، شامل تعداد مرگ و میر ناشی از اقدامات خشونت آمیز یا پیامدهای مستقیم آن اقدامات، ارزیابی می‌شود. افرادی که به دلیل اثرات غیرمستقیم می‌میرند، به عنوان مثال گرسنگی یا بیماری در این آمار محاسبه نمی‌شوند. آستانه استفاده شده در خصوص این مؤلفه ۲۰ و ۶۰ کشته است. (Ibid)

تعداد کل پناهندگان مرزی و آوارگان داخلی (آوارگان داخلی) در یک منطقه در ماه ارزیابی شده است. بر اساس تعریف ارائه شده در رویکرد هایدلبرگ، آوارگی مهاجرت انسان‌ها است که با اقدامات در راستای جنگ تحریک می‌گردد، به عنوان

مثال با ایجاد شرایط غیرانسانی زندگی توسط یک دولت نسبت به گروه معرض در تعرض داخلی مهاجرت ساکنین منطقه آغاز می‌گردد، که گاه سبب آوارگی آنان می‌گردد و گاه موجبات پناهندگی آنان را فراهم می‌سازد. آستانه مؤلفه مذکور در اینجا پناهندگی و یا آوارگی ۱۰۰۰ و ۲۰۰۰۰ نفر است. (Ibid)

میزان تخریب ناشی از درگیری در طول ماه و در چهار بعد تعیین شده برای جمعیت‌های ملکی ضروری است: زیرساخت‌ها، منازل (سکونت‌گاه‌ها)، اقتصاد و فرهنگ مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. (Ibid)

همانگونه که ذکر شد یکی از مؤلفه‌های ذکر شده به تنهایی نمی‌تواند بیانگر سطح اختلاف و یا میزان خشونت در یک درگیری باشد. به عبارت دیگر جمع بندی تمام مؤلفه‌های مذکور می‌تواند بیانگر سطح جنگ و تبیین گر میزان خشونت باشد. البته لازم به ذکر است که گاه میزان و تعداد در یک مؤلفه اساسی به قدری است که بدون نیاز به رجوع به سایر مؤلفه‌ها می‌تواند بیانگر سطح جنگ باشد. مانند زمانی که کشته‌ها در یک برهه زمانی در یک منطقه به بیش از ۱۰۰۰ نفر برسد. (Ibid)

بر اساس آمار ارائه شده در تحقیق مذکور در سال ۲۰۱۸، مجموعاً ۳۷۴ جنگ در سراسر جهان مشاهده که بیش از ۵۷ درصد از آنها یعنی تعداد ۲۱۴ جنگ خشونت آمیز بوده است، در حالی که ۱۵۱ جنگ بدون خشونت باقی مانده است. در مقایسه با سال ۲۰۱۷، تعداد کل جنگ‌های دارای مقیاس گسترده از جنگ ۲۰ به ۱۶ جنگ کاهش یافته است. با این حال، تعداد جنگ‌های محدود از ۱۶ جنگ محدود به ۲۵ جنگ محدود افزایش یافته است. این موضوع بیانگر این است که روند کاهشی جنگ‌های گسترده در طول زمان در حال تداوم است، حال آنکه جنگ‌های محدود که اغلب واجد وصف داخلی می‌باشند، در طول زمان در حال گسترش است. (Ibid)

### ۱-۲-۳- انواع جنگ

روش شناسی هایدلبرگ بین مخاصمات بین‌المللی<sup>۷</sup>، داخلی<sup>۸</sup>، فرعی (درگیری بین گروه‌های غیردولتی داخلی)<sup>۹</sup> و بین‌المللی شده<sup>۱۰</sup> تمایز قائل می‌شود. در حالی که در درگیری‌های بین‌المللی فقط شامل بازیگران شناخته شده در سطح بین‌المللی است، درگیری‌های داخلی دربرگیرنده بازیگران دولتی و بازیگران غیر دولتی، در سطح داخلی است. درگیری‌های فرعی صرفاً در میان بازیگران غیر دولتی انجام می‌شود. درگیری‌های بین‌المللی شده شامل هر دو بازیگر دولتی و غیر دولتی است که با دخالت دولت یا دولت‌های دیگری حالت بین‌المللی یافته است. همان‌طور که مشخص است از جنگ‌های فوق‌الذکر درگیری‌های نوع اول ذاتاً واجد وصف بین‌المللی و سایر درگیری‌ها ذاتاً واجد وصف داخلی هستند. (Ibid)

### ۲-۲-۳- بررسی آماری مخاصمات صورت گرفته بر اساس روش شناسی هایدلبرگ

با توجه به دسته بندی جنگ بر اساس روش شناسی هایدلبرگ در ادامه به بررسی میزان جنگ‌ها در سطوح مختلف به صورت کلی در جامعه جهانی و سپس به صورت منطقه‌ای در نقاط مختلف جهان می‌پردازیم. در آمار ارائه شده سال‌های ۲۰۱۷، ۲۰۱۸، ۲۰۱۹، ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ میلادی، به عنوان آخرین نسخ از روش شناسی و به روزترین و کارآمدترین آنها مورد بررسی و مذاقه قرار گرفته‌اند و کاهش یا افزایش جنگ‌ها صرفاً نسبت به سال قبل (یعنی سال ۲۰۱۷) بررسی شده است.

### ۳-۲-۳- آمار جهانی و منطقه ای شدت جنگ‌ها

در سطح جهانی آمار اختلافات در سال‌های ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ برابر بوده است و آمار ارائه شده حکایت وجود ۶۸ اختلاف در هر دو سال مذکور دارد لیکن تعداد اختلاف در سال ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ تعداد اختلاف در سطح جهانی به ترتیب ۷۱ و ۶۹ اختلاف

<sup>7</sup> Intrastate

<sup>8</sup> Interstate

<sup>9</sup> Substate

<sup>10</sup> Transstate



بوده‌است که در سال ۲۰۲۱ به ۷۳ اختلاف افزایش یافته است. (Conflict Borometer, 2017: 14-18, Confilict 14-16, Conflict Borometer, 2020: 16-20, : 13-17, Conflict Borometer, 2019: Borometer, 2018 (Conflict Borometer, 2021, 17 -21

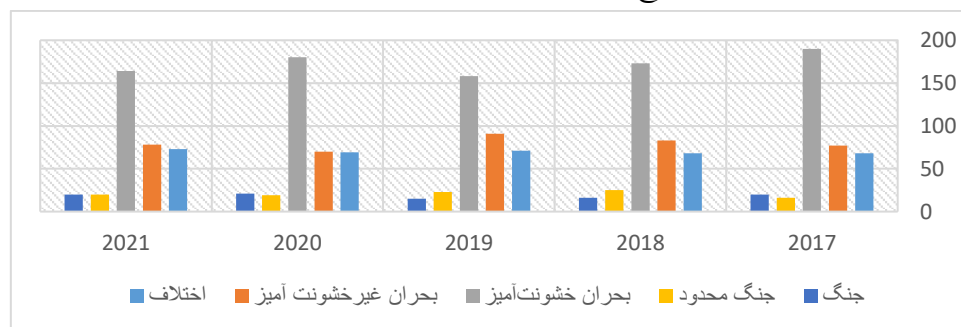
تعداد بحران‌های غیر خشونت آمیز در سال ۲۰۱۸ نسبت به سال ۲۰۱۷ افزایش نسبی داشته است و از ۷۷ بحران‌های غیر خشونت آمیز در سال ۲۰۱۷ به ۸۳ بحران‌های غیر خشونت آمیز در سال ۲۰۱۸ افزایش داشته است، این روند افزایشی در سال ۲۰۱۹ نیز ادامه داشته است و تعداد بحران‌های غیر خشونت آمیز به ۹۱ بحران رسیده است اما در سال ۲۰۲۰ آمار بحران‌های مذکور با کاهشی چشم‌گیر نسبت به سال‌های قبل و شکست روند افزایشی به ۷۰ بحران غیر خشونت آمیز رسیده است لیکن مجدداً با افزایشی نسبی در سال ۲۰۲۱ به عدد ۷۸ رسیده است. لیکن در خصوص بحران‌های خشونت آمیز در سال ۲۰۱۸ شاهد کاهش آمار هستیم و از ۱۹۰ بحران خشونت آمیز در سال ۲۰۱۷ به ۱۷۳ بحران خشونت آمیز رسیده است، این روند کاهشی در سال ۲۰۱۹ نیز ادامه داشته است و تعداد بحران‌های خشن در سال ۲۰۱۹ به تعداد ۱۵۸ بحران رسیده است لیکن روند کاهشی مذکور در سال ۲۰۲۰ متوقف شده است و به ۱۸۰ بحران خشونت آمیز در سال ۲۰۲۰ رسیده است، این آمار مجدداً در سال ۲۰۲۱ با کاهش مواجه گردیده است و به تعداد ۱۶۴ بحران خشونت آمیز رسیده است. (Ibid)

در خصوص جنگ‌های محدود در سال ۲۰۱۸ نسبت به سال قبل با افزایش تقریباً چشمگیری مواجه هستیم و تعداد جنگ‌های محدود از ۱۶ جنگ محدود در سال ۲۰۱۷ به عدد ۲۵ در سال ۲۰۱۸ رسیده است روند مذکور با کاهشی نسبی در سال‌های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ مواجه شده و به ترتیب در سال‌های مذکور با ۲۳ و ۱۹ جنگ محدود مواجه شده‌ایم و در سال ۲۰۲۱ با افزایشی حداقلی به ۲۰ جنگ محدود رسیده‌ایم. (Ibid)

تعداد جنگ‌ها به عنوان شدیدترین نوع جنگ از ۲۰ جنگ در سال ۲۰۱۷ به ۱۶ جنگ در سال ۲۰۱۸ کاهش یافته است، این کاهش در سال ۲۰۱۹ نیز ادامه داشته است و به تعداد ۱۵ جنگ رسیده است، اما با افزایشی شدید در سال ۲۰۲۰ مواجه شد و به تعداد ۲۱ جنگ رسید و با کاهشی اندک در سال ۲۰۲۱ به تعداد ۲۰ جنگ رسید. بر اساس رویکرد هایدلبرگ مناطق جهانی بر اساس همگرایی در علل و عوامل، جغرافیای، اجتماعی و اقتصادی به ۵ منطقه در سطح جهانی تقسیم شده‌اند که عبارتند از: ۱- اروپا ۲- جنوب صحرای افریقا ۳- امریکا (قاره امریکا به صورت کلی) ۴- آسیا و اقیانوسیه ۵- آسیای غربی، افریقای شمالی و افغانستان؛ در ادامه با ترسیم نمودار شدت جنگ‌ها به بررسی میزان جنگ‌ها بر اساس میزان شدت در سطح جهانی و سپس در هر یک از مناطق مذکور در سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۱ میلادی می‌پردازیم. (Ibid)

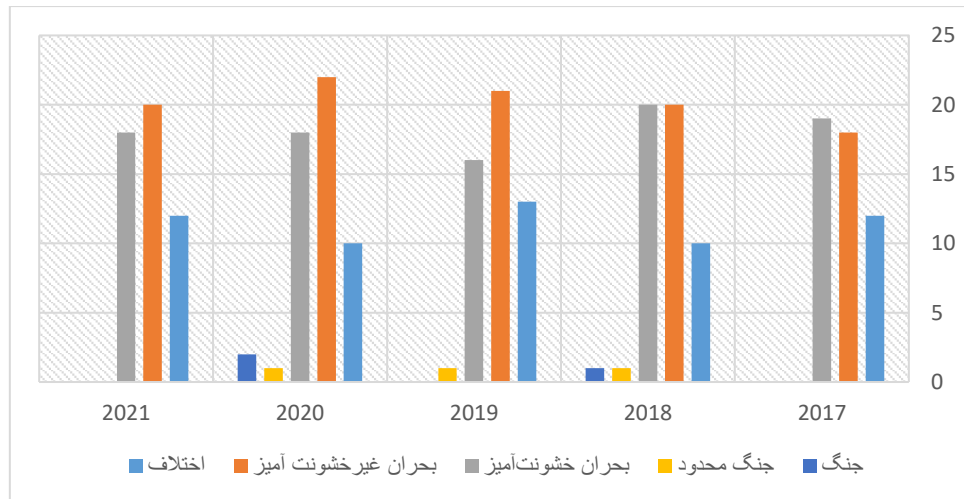
بررسی آماری از کاهش میزان جنگ میان کشورهای بزرگ تلفات گسترده‌ای را به جای می‌گذارد، خبر می‌دهد لیکن با توجه به سیاست بین‌المللی حاضر اعتقاد به این موضوع که جنگ در حال منسوخ شدن می‌باشد نیز اعتقادی بی پایه و ناصحیح می‌باشد. چنانکه بربریت گروه‌های تروریستی همچون القاعده و داعش حکایت از وقوع اعمال بسیار شنیع و غیر اخلاقی در جنگ‌ها و ادامه یافتن واقعیت جنگ و آثار غیر انسانی آن دارد. (زکریا، ۱۴۰۱/۲۰۰۸، ص. ۱۸).

نمودار شماره ۱: تعارضات در سطح جهانی بر اساس میزان شدت در سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۱ میلادی



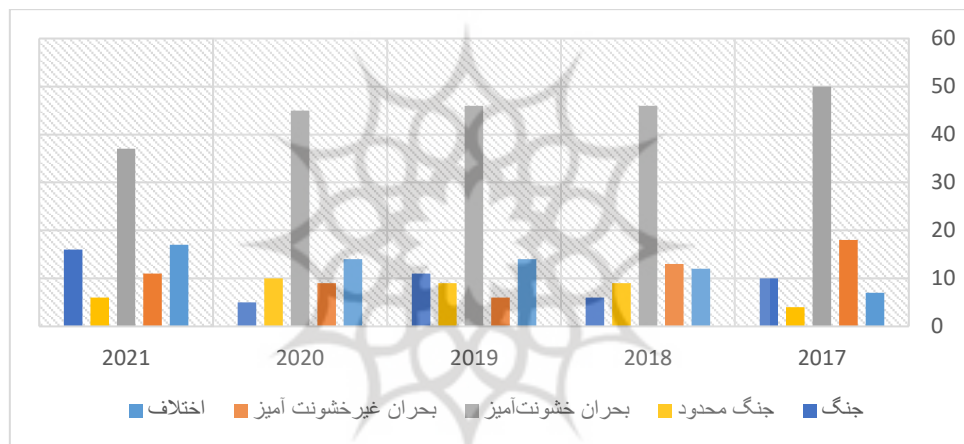
(ترسیم شده توسط نگارندگان)

نمودار شماره ۲: تعارضات در منطقه اروپا بر اساس میزان شدت در سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۱ میلادی



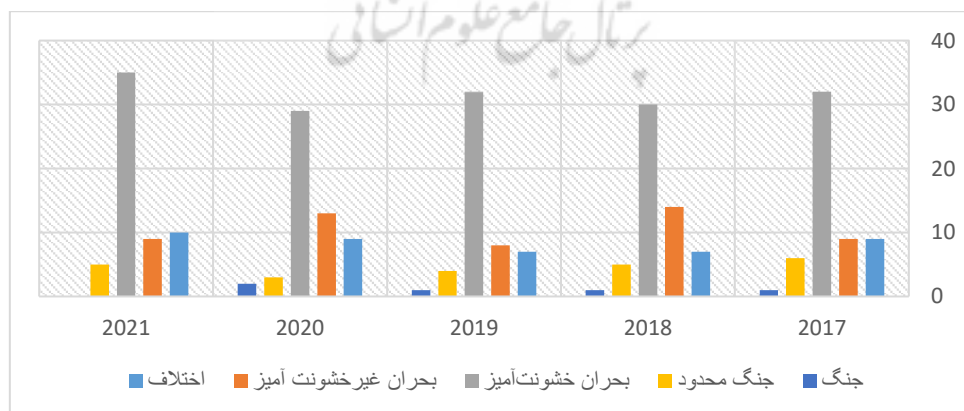
(ترسیم شده توسط نگارندگان)

نمودار شماره ۳: تعارضات در منطقه جنوب صحرائی آفریقا بر اساس میزان شدت در سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۱ میلادی



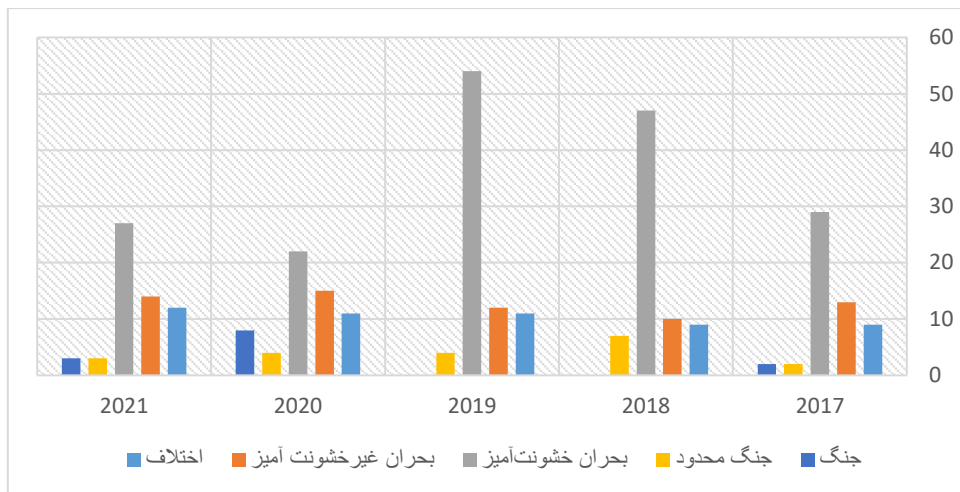
(ترسیم شده توسط نگارندگان)

نمودار شماره ۴: تعارضات در منطقه آمریکا بر اساس میزان شدت در سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۱ میلادی



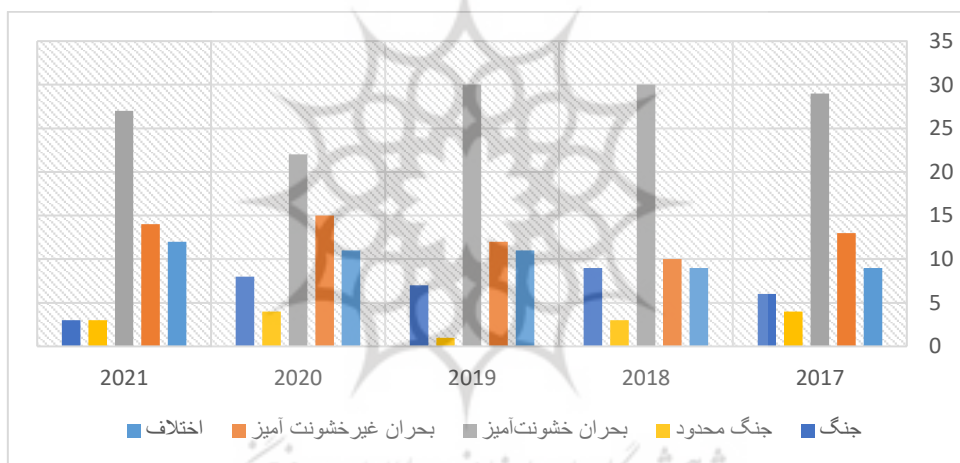
(ترسیم شده توسط نگارندگان)

نمودار شماره ۵: تعارضات در منطقه آسیا و اقیانوسیه بر اساس میزان شدت در سال های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۱ میلادی



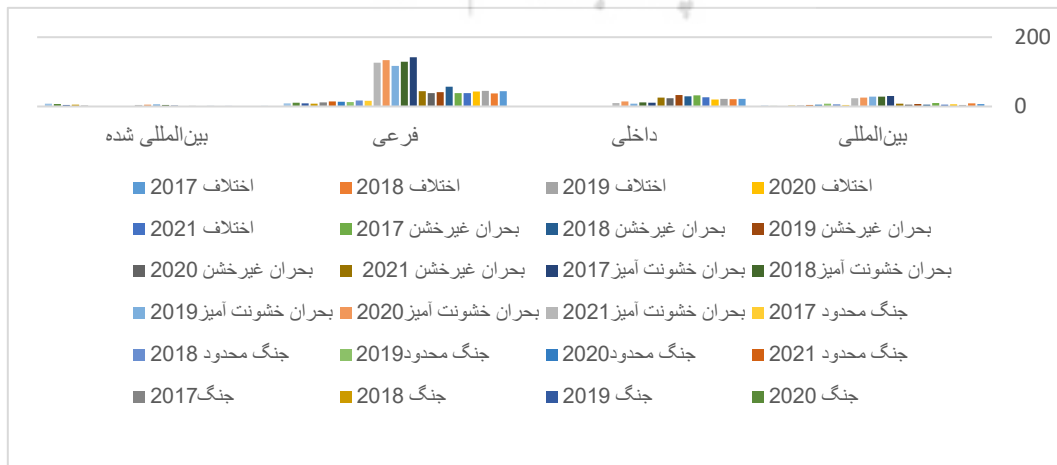
(ترسیم شده توسط نگارندگان)

نمودار شماره ۶: تعارضات در منطقه آسیای غربی، شمال آفریقا و افغانستان بر اساس میزان شدت در سال های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۱ میلادی



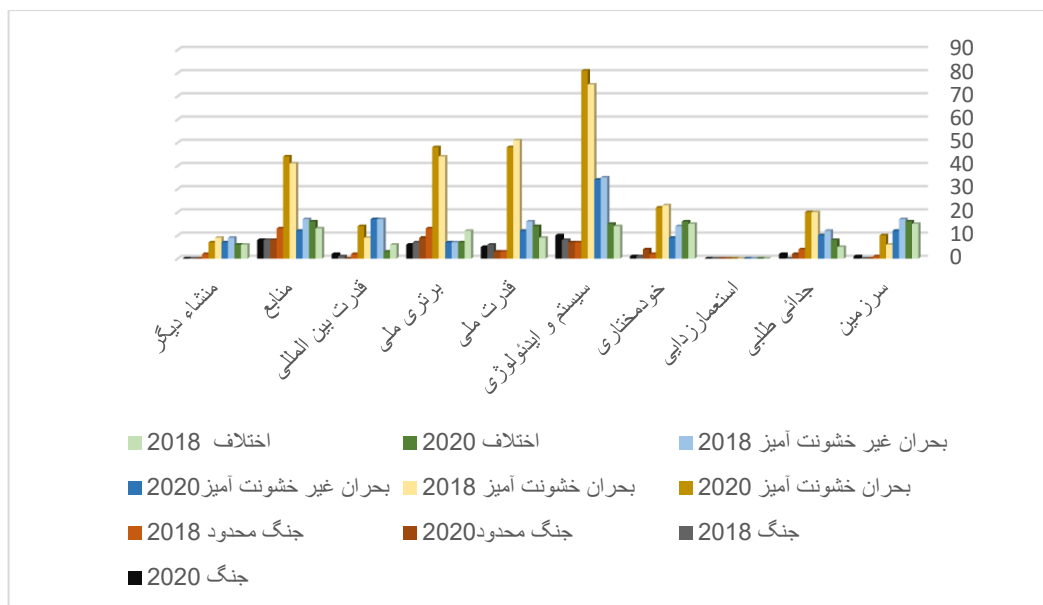
(ترسیم شده توسط نگارندگان)

نمودار شماره ۷: فراوانی شدت تعارض بر اساس نوع تعارض از سال های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۱ میلادی



(ترسیم شده توسط نگارندگان)

نمودار شماره ۸: فراوانی شدت اختلاف بر اساس منشأ اختلاف در سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۲۰ میلادی



(ترسیم شده توسط نگارندگان)

#### ۴- میزان کشته شدگان ناشی از اختلافات و درگیری‌های غیر مسالمت آمیز داخلی در طول زمان

حق حیات به عنوان مهمترین حق بشری مندرج در نسل اول حقوق بشر است و میزان نقض آن در اختلافات و جنگ‌ها از مهمترین مؤلفه‌های سنجش میزان شدت یک اختلاف و جنگ است. اهمیت این حق آنچنان گسترده و غیرقابل تضییق است که دولت‌ها در مسیر مبارزه با تروریسم نمی‌توانند به صورت خودسرانه از آن چشم‌پوشی نمایند. (قاری سیدفاطمی، سیدمحمد، قبادی، مرضیه، ۱۳۹۷: ۷۲) بررسی آماری تعداد کشته‌های ناشی از اختلاف در تمام مطالعاتی که در خصوص شناسایی اختلاف و شدت اختلاف صورت می‌گیرد، مهمترین مؤلفه است. بررسی روند کاهشی یا افزایشی میزان کشته‌ها بر حسب نوع اختلاف (داخلی، بین‌المللی و یا بین‌المللی شده) می‌تواند در جهت تفسیر تغییرات صورت گرفته در خصوص میزان، شدت و نوع اختلافات، کاربرد فراوان داشته باشد. در بسیاری از مطالعات صلح بررسی آماری میزان کشته‌های هر اختلاف، به عنوان مهمترین عامل تعیین میزان شدت اختلاف اهمیتی دوچندان دارد. در برخی از آنان میزان کشته‌های ناشی از اختلاف نقش اصلی و پیشینی در درجه بندی اختلاف و یا حتی احتساب آن به عنوان جنگ را دارد، برای نمونه مطالعات صلح موسوم به همبستگی‌های جنگ<sup>11</sup> (COW) که به عنوان یکی از جامع‌ترین و پرکاربردترین مجموعه اطلاعات مربوط به جنگ و صلح شناخته می‌شود. یک الزام اساسی برای طبقه بندی این است که: جنگ درون‌کشوری باید شامل نبردهای مداوم، شامل نیروهای مسلح سازمان یافته، و در نتیجه حداقل ۱۰۰۰ کشته جنگنده مربوط به نبرد در یک دوره دوازده ماهه باشد. (war, 2022 of correlates) در این گفتار با بررسی آماری میزان کشته شدگان اختلافات در طول زمان سعی در شناخت روند خشونت (از حیث میزان کشته شدگان) در طول زمان داریم.

از حیث آماری همچون گذشته به جهت عدم دسترسی به آمار یقینی و مبتنی بر واقع در طول زمان، بررسی و مقایسه آماری در این خصوص را نیز از قرن بیستم میلادی آغاز می‌کنیم. مبرهن است که بیشترین میزان کشته‌های ناشی از جنگ‌های بین‌المللی در طول قرن بیستم به جنگ‌های جهانی اول و دوم تعلق دارد. در خصوص اختلافات داخلی نیز، یکی از مهمترین عواملی که به بروز جنگ‌ها و اختلافات داخلی در قرن بیستم تأثیری بنیادین داشته است، وقوع جنگ‌های جهانی است. این جنگ‌ها هر چند بر اساس اختلافات مبانی دولت‌های صاحب قدرت در آن زمان صورت گرفته و اصولاً واجد وصف

<sup>11</sup> Correlates of War

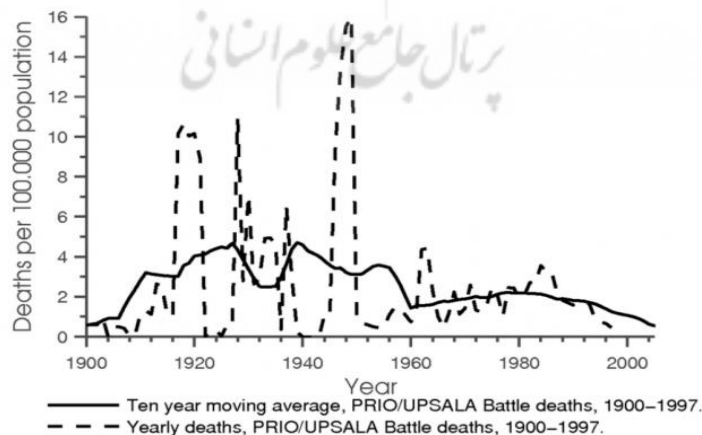
اختلافات و توسل به زور در عرصه بین‌الملل بوده است، لیکن به جهت به وجود آوردن تغییرات بنیادین در وضعیت موجود و ایجاد شرایط و بحران‌های خاص سبب تزلزل صلح داخلی در بسیاری از کشورها گردید.

در طول قرن بیستم، مرگ‌های ناشی از جنگ‌های داخلی برای اولین بار در پایان جنگ جهانی اول افزایش پیدا می‌کند و در سال‌های جنگ و همچنین پایان جنگ جهانی دوم دوباره افزایش می‌یابد. در پایان جنگ جهانی اول شاهد فروپاشی امپراتوری‌های عثمانی، اتریش-مجارستان، آلمان و روسیه و همچنین آغاز اضمحلال قدرت‌های باقی مانده اروپا بودیم. فروپاشی امپراتوری روسیه در سال ۱۹۱۷ منجر به جنگ داخلی روسیه و کشته شدن میلیون‌ها نفر شد. نکته قابل توجه این است که بسیاری از درگیری‌های مدرن در خاورمیانه (چه جنگ‌های داخلی و چه جنگ‌های بین‌المللی همچون قضیه فلسطین) ریشه در تقسیم امپراتوری عثمانی دارد.

پس از جنگ جهانی دوم، جهان شاهد شکل‌گیری جهان دوقطبی با محوریت آمریکا و برخی دول غربی از یک سو و شوروی سابق و چین از سوی دیگر بود. افزایش تعداد و شدت درگیری‌ها بین پایان جنگ جهانی دوم و فروپاشی دیوار برلین (۱۹۸۹-۱۹۴۵) با جنگ سرد مرتبط است. مبارزه برای برتری جهانی بین ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی باعث شد که هر دو درگیر جنگ‌های نیابتی با یکدیگر شوند. جنگ کره و جنگ ویتنام هر دو به عنوان جنگ‌های داخلی آغاز شدند، اما در نهایت با پشتیبانی ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی همراه شدند. دو نمودار ترسیم شده در ادامه دقیقاً نشان می‌دهد که چگونه تعداد جنگ‌های داخلی از اواخر جنگ جهانی دوم قبل از اوج گرفتن در دهه ۱۹۹۰ و توزیع طول درگیری‌ها افزایش یافته است. در این اوج، حدود یک سوم کشورهای جنوب صحرای آفریقا درگیر جنگ داخلی بودند. در حقیقت درگیری‌های مسلحانه غیر بین‌المللی منبع غالب خصومت‌ها در دوره پس از جنگ جهانی دوم شده‌اند. (Geoffrey S. Corn, Laurie R. Blank, 2014:97) جیمز فرون و دیوید لایتین اوج دهه ۱۹۹۰ را نتیجه انباشت درگیری‌های طولانی می‌دانند و بیان می‌دارند:

شیوع جنگ داخلی در دهه ۱۹۹۰ عمدتاً نتیجه انباشت درگیری‌های طولانی مدت از دهه ۱۹۵۰ و تغییر ناگهانی مرتبط با یک سیستم بین‌المللی جدید و پس از آن آغاز جنگ سرد، تحرکات و اقدامات راجع به استعمار زدایی از دهه ۱۹۴۰ تا ۱۹۷۰ می‌باشد که موجبات تضعیف شمار زیادی از کشورها را از نظر اقتصادی، بوروکراتیک و نظامی، فراهم آورد. (Fearon, James D., and David D. Laitin, 2003: 75-90)

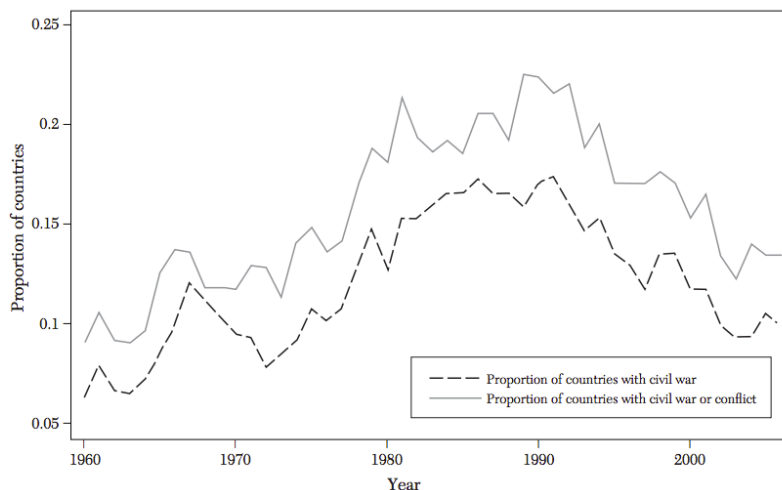
نمودار شماره ۹: میزان کشته‌های جنگ‌های داخلی در قرن بیستم به نسبت هر ۱۰۰۰۰۰ نفر



(nber.org/papers/w17994, 2022)



نمودار شماره ۱۰: نسبت کشورهای دارای جنگ داخلی فعال در جنگ یا درگیری داخلی از سال ۱۹۶۰ تا سال ۲۰۰۶ میلادی



(Blattman, Christopher, Edward Miguel, 2010: 3-57)

#### ۱-۴- میزان کشته‌شدگان در اختلافات داخلی

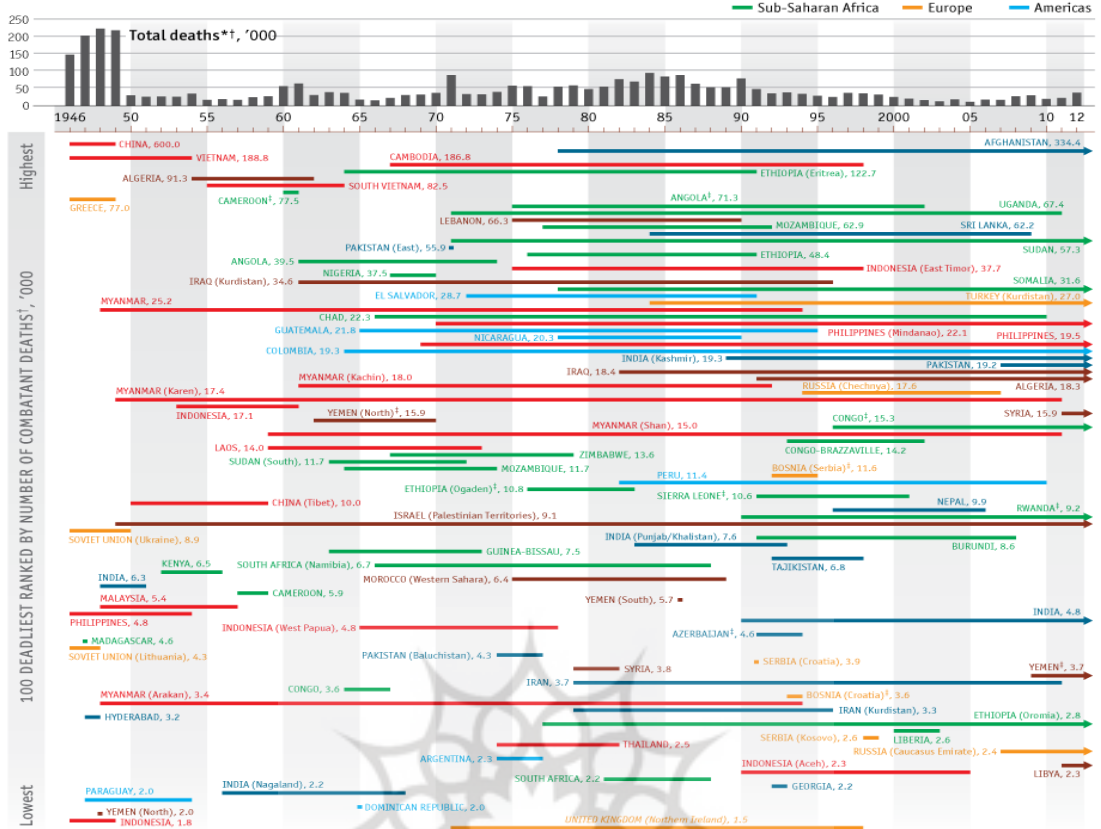
دو نمودار مجزا در خصوص بررسی آماری جنگ‌های داخلی در ادامه ترسیم گردیده است، این دو نمودار ضمن ترسیم وجوه اشتراک جنگ‌های داخلی، میزان پایداری بالا در این درگیری‌ها را نشان می‌دهد. نمودار رنگی مربوط به بررسی آماری صورت گرفته توسط مجله اکونومیست است و رده بندی ۱۰۰ جنگ مرگبار داخلی را از زمان جنگ جهانی دوم را نشان می‌دهد. با بررسی دقیق نمودار مذکور به صراحت مشخص است که بسیاری از درگیری‌ها نسبتاً کوتاه مدت هستند اما برخی از آنها دهه‌ها به طول انجامیده‌اند. مرگبارترین جنگ داخلی ۶۰۰ کشته رزمنده در هر هزار نفر داشته است در حالی که در درگیری‌های حائز رتبه‌های پایانی تنها ۱.۵ کشته داشته‌اند. نمودار خط سیاه و سفید از بلاتمن و میگوئل (۲۰۱۰) توزیع سال‌های درگیری بین سال‌های ۱۹۶۰ و ۲۰۰۶ را نشان می‌دهد. (Blattman, Christopher, Edward Miguel, 2010: 3-57)

با توجه به نمودارهای مذکور مشخص است که درگیری‌های داخلی در سطوح مختلف اصولاً جنبه استثنائی و کوتاه مدت دارند و تعداد کشورهایی که درگیری‌های داخلی در چند سال متوالی (در یک موضوع خاص) در آنها به وقوع پیوسته باشد، بسیار اندک است. بر اساس نمودارهای ذیل تخمین زده می‌شود که ۲۰٪ کشورها حداقل ده سال جنگ داخلی را تجربه کرده‌اند. با توجه به داده‌های آماری مذکور مشاهده می‌گردد که: اولاً جنگ‌های داخلی در طول زمان شیوع بسیار زیادی نسبت به جنگ‌های بین‌المللی دارند. ثانیاً در هر زمان و هر کشوری امکان بروز درگیری و اختلاف در سطوح متفاوت شدت (به خصوص سطوح میانی) وجود دارد. ثالثاً: این درگیری‌ها و اختلافات اصولاً جنبه استثنائی و غیر فراگیر دارند و اغلب در مدت زمان کوتاهی فیصله می‌یابند.

رعایت حقوق بنیادین شرط ضروری دموکراسی، هماهنگی و صلح اجتماعی محسوب می‌گردد. با وجود این، برای ترویج و تقویت رعایت حقوق بشر، می‌بایست این حقوق را به شهروندان خود بشناسانیم تا در اجتماع به گونه‌ای رفتار کنند که حقوق بشر رعایت شود و به علاوه مدافع حقوق بشر نیز باشند. عدم رعایت هر یک از حقوق بنیادین به خودی خود می‌تواند بیانگر فقدان و یا کاهش سطح دموکراسی و حاکمیت مردم در یک کشور باشد. این اهمیت تا بدانجاست که هیچ دولتی بدون انقیاد به حقوق بنیادین و احترام به حقوق ذاتی بشر نمی‌تواند خود را مدعی دموکراسی بداند. (امیرارجمند، اردشیر، ۱۳۷۸: ۱۶۴)

نمودار شماره ۱۱: ۱۰۰ جنگ مرگبار داخلی از زمان جنگ جهانی دوم

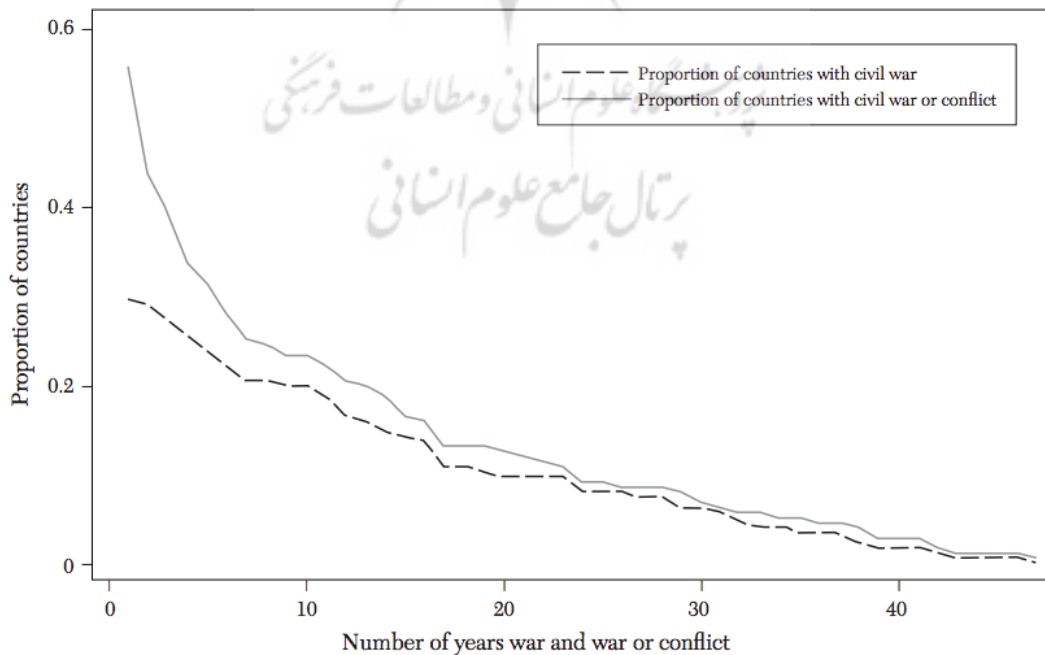
**The long and the short of the problem**  
Civil wars and internal armed conflicts, 1946-2012



Sources: PRIO; Uppsala University. \*Based on over 250 conflicts, 1946-2012. †Deaths in battle of government troops and troops of politically organised rebels; conflicts restarted within 10 years counted as continuous. ‡Including foreign intervention

(economist.com/briefing/2013/11/10/how-to-stop-the-fighting-sometimes, 2022)

نمودار شماره ۱۲: توزیع سال‌های جنگ داخلی یا درگیری در سراسر کشورها، ۱۹۶۰-۲۰۰۶



(Blattman, Christopher, and Edward Miguel, 2010: 3-57)

## ۵- نتیجه

تغییر ساختار، نوع و شیوه جنگ و میزان خشونت به کار رفته در جنگ‌ها، از زمان پایان جنگ جهانی دوم تا زمان حاضر به وضوح مشخص است. پس از جنگ جهانی دوم با تغییر ساختار جامعه جهانی و شکل‌گیری بسیاری از کشورها با ساختار غیر دموکراتیک، همزمان با نسج و تدوین حقوق بین‌الملل بشر و تسهیل و فراگیری دسترسی به رسانه‌های نوین جمعی، تنش‌ها و بحران‌ها در داخل چنین کشورهایی به اوج رسید و زمینه تقابل و درگیری میان دولت مرکزی و مخالفین را با میزان و شدت‌های متفاوتی از خشونت فراهم ساخت.

با توجه به داده‌های آماری و بررسی‌های صورت گرفته با استفاده از مطالعات صلح ملاحظه می‌گردد، در طول زمان اختلافات و به خصوص اختلافات خشونت آمیز به صورت کلی کاهش یافته است. در طول زمان نیز میزان اختلافات داخلی نسبت به اختلافات بین‌المللی به شدت بیشتر شده است. در عین حال میزان خشونت ناشی از جنگ نیز در طول زمان رو به کاهش نهاده است.

بررسی‌های آماری صورت گرفته بر اساس مطالعات صلح هایدلبرگ در پنج سال اخیر (از سال ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۱ میلادی) در کنار سایر مطالعات و آمارهای ارائه شده، بیانگر آن است که کاهش میزان اختلافات به صورت کلی (در تمامی سطوح) با افزایش میزان اختلافات داخلی همراه بوده است به صورتی که در دو دهه گذشته تعداد اختلافات واجد ماهیت ذاتاً داخلی چندین برابر میزان اختلافات واجد ماهیت ذاتاً بین‌المللی بوده است. این موضوع بدین معنی است که سطح عمده اختلافات در سطح جهانی را اختلافات داخلی با میزان شدت خشونت متوسط که بر اساس مطالعات دانشگاه هایدلبرگ به بحران خشونت آمیز تعبیر شده‌اند، تشکیل می‌دهد. در این زمینه به نظر می‌رسد مطالعات صلح می‌بایست در جهت شناخت، بررسی و رفع عوامل محرک اختلاف در سطوح داخلی با شدت و دقت بیشتری صورت پذیرفته و ضمن بهره‌برداری از مطالعات مذکور در سازمان‌های بین‌المللی متولی صلح و امنیت بین‌المللی و به خصوص سازمان ملل متحد زمینه بروز چنین اختلافاتی، به خصوص با میزان شدت بالا در عرصه داخلی شناسایی و رفع گردد.

بر خلاف تصور عوام‌گونه مبنی بر اینکه گذشته از حال صلح آمیزتر بوده است، بررسی‌های آماری در تحقیق حاضر هویدا می‌سازد که تصور مذکور کاملاً غلط می‌باشد. به نظر مهمترین عامل در کاهش میزان جنگ (به صورت کلی) و همچنین کاهش خشونت در اختلافات را باید ناشی از شکل‌گیری، قوام و نسج نسبی حقوق بشر دانست. از طرفی شبکه گسترده اطلاعات به طرق مختلف سبب اطلاع سریع مردم جهان از وقایع صورت گرفته در نقاط مختلف جهان و به تبع آن پاسخ‌گویی و مسئولیت‌دوچندان دولت‌ها را در زمینه حقوق بشر و حقوق بشردوستانه فراهم ساخته است.

## منابع

- امیر ارجمند، اردشیر (۱۳۷۸). «آموزش حقوق بشر»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲۵ و ۲۶، صص ۱۸۰-۱۵۹.
- رفیق‌زکریا، فرید، (۱۴۰۱). جهان پس از آمریکا (احد علیقلیان، ترجمه)، تهران: نشر نو (نشر اثر اصلی ۲۰۰۸).
- شاکری خوئی، احسان، محمدی ایروانلو، علی، ظهیری، صمد، (۱۳۹۸)، جهانی شدن و مسئله قومیت‌ها در ایران (دوره جمهوری اسلامی ایران)، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، ۹۰-۹۰، ۴۰-۱۰۴.

<https://www.doi.org/10.30495/PIR.2019.670987>

- عباسی، رسول، همتی، رضا، تحلیل تطبیقی - کیفی تضاد سیاسی خشونت آمیز در سطح کلان، مجله جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۴ (۲)، ۸۹-۱۱۰.
- عزیزی، ستار (۱۳۸۷). «استقلال کوزوو: بررسی مشروعیت جدایی یک جانبه در حقوق بین‌الملل»، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۳۸، صص ۴۶-۱۱.

-قاری سیدفاطمی، سیدمحمد، قبادی، مرضیه، (۱۳۹۷)، بررسی رابطه میان تروریسم و حق حیات در پرتو رویه قضایی بین‌المللی، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی شماره ۳۶.

-محسن پور، سمیرا، توسلی نائینی، منوچهر (۱۳۹۳). «بررسی سیر تحول توسل به زور علیه تروریسم بین‌المللی از دیدگاه حقوق بین‌الملل و رویه قضایی بین‌المللی»، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، شماره ۳.

-ممتاز، جمشید و رنجبران، امیرحسین (۱۳۸۷). حقوق بین‌الملل بشردوستانه-مخاصمات مسلحانه داخلی، کمیته ملی حقوق بشردوستانه چاپ سوم، تهران: نشر میزان.

- Acemoglu, D. (2000). *The world our grandchildren will inherit: the rights revolution and beyond*. No. w17994. National Bureau of Economic Research.
- Antulio J. Echevarria II, (2013). *Clausewitz and Contemporary War* (Oxford: Oxford University Press).
- Blattman, Ch., & Edward, M. (2010). "Civil war" *Journal of Economic Literature*.
- Conflict Borometer, 2017. < <https://hiik.de/?lang=en>>.
- Conflict Borometer, 2018. < <https://hiik.de/?lang=en>>.
- Conflict Borometer, 2019. < <https://hiik.de/?lang=en>>.
- Conflict Borometer2020. < <https://hiik.de/?lang=en>>.
- Conflict Borometer, 2021. < <https://hiik.de,/?lang=en>>.
- Dugan, Maire A. (1989). "Peace Studies at the Graduate Level." *The Annals of the American Academy of Political Science: Peace Studies: Past and Future*, 504.
- Fearon, James D., & David D. Laitin. (2003). "Ethnicity, insurgency, and civil war" *American political science review* 97, no. 01.
- Geoffrey S. Corn, Laurie R. & Blan, k. (2013). *The Laws of War :Regulating the Use of Force. How to stop the fighting, sometimes.*" *The Economist*.  
<https://www.cambridge.org>.  
<https://correlatesofwar.org>.  
<https://www.economist.com>.  
<https://hiik.de>  
<https://www.jstor.org>.  
<https://www.nber.org>.  
<https://ucdp.uu.se>
- Kenneth M. P., & Barbara F. W. (2015). Escaping the Civil War Trap in the Middle East, *The Washington Quarterly* 38(2):29-46.
- Lt-Gen. H. R. (2015). "Continuity and Change, The Army Operating Concept and Clear Thinking About Future War," *Military Review* (March/April 2015).
- Williamson, M. (2017). *America and the Future of War: The Past as Prologue* (Stanford, CA: Hoover Institution Press, 2017).